

حق بر ترجمه و جایگاه آن در تحقق دادرسی عادلانه در نظام عدالت کیفری ایران

حیدر پیری^۱

چکیده

یکی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه که بر دیگر جنبه‌های آن تأثیرگذار است، حق بر دارا بودن مترجم برای متهمانی است که به زبان کاری دادگاه صحبت نمی‌کنند یا دچار نقص شنوایی هستند. مطابق ماده ۱۴(۳) (و) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری، در تمام مراحل دادرسی مستقل از نتیجه دادرسی بایستی بهره‌مندی از خدمات مترجم فراهم شود و عدم رعایت آن ممکن است مانعی برای اجرای عدالت باشد. پرسش نوشتار حاضر این است که، آیا انکار حق متهم بر ترجمه، به ریشه تضمین‌های بنیادین دادرسی کیفری عادلانه آسیب وارد می‌کند؛ و با فرض پاسخ مثبت به این پرسش، حق بر ترجمه به عنوان یک فرایند پیچیده و حقی شکلی، چه تأثیری بر دادرسی کیفری و به تبع آن بر دیگر حقوق شکلی خواهد گذاشت؟ یافته مقاله این که، تأثیر ترجمه بر فرایند دادرسی متهم ناتوان زبانی، یک جنبه ذاتی است که با تمامی اصول شکلی دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی متهم ارتباط دارد و عدم پیش‌بینی و رعایت آن، با هیچ ابزار عملی قابل جبران نیست. وجود چنین حقی، عقلانیت و انسجام ساختار حقوقی را تضمین می‌کند و فقدان آن، آشفتگی و بی‌نظمی حقوقی را در پی دارد.

واژگان کلیدی: حق بر ترجمه، دادرسی عادلانه، دادرسی کیفری، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
heidar.piri@gmail.com

درآمد

تحقق عدالت در فرایند کیفری نیازمند ملاک‌ها و معیارهای عینی است. تحقق عینی عدالت در فضای حیات اجتماعی به ویژه در بستر قضا، بیش از آن که مرهون حقوق ماهوی باشد، در گروی آیین و مقررات شکلی است (فضائی، ۱۳۹۲: ۶۰). حق دسترسی به عدالت زمانی که متهم فاقد امکانات ضروری است، مستلزم حق بر مساعدت و حمایت حقوقی است. انکار معاضدت حقوقی می‌تواند به منزله انکار عدالت نگریسته شود. کميته حقوق بشر تأکید کرده است: «در اغلب اوقات وجود یا نبود مساعدت حقوقی است که تعیین می‌کند آیا یک شخص می‌تواند به مراحل مربوطه دادرسی، دسترسی داشته باشد یا به نحو معناداری در آن‌ها مشارکت کند یا نه» (General Comment No. 32, 2007: para.10).

حق بر مساعدت و حمایت حقوقی به عنوان حقی شکلی و تضمین‌کننده یک دادرسی عادلانه برای متهمان کیفری در مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شده است. مطابق قسمت ششم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، متهمی که زبان دادگاه برای او قابل فهم نیست یا قادر به تکلم به آن زبان نیست، حق دارد در تمامی مراحل دادرسی و با هر نتیجه‌ای که از این دادرسی‌ها حاصل شود، از کمک رایگان یک مترجم برخوردار باشد. حق بهره‌مندی از مترجم در قوانین ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است. قانون اساسی مقررهای در این خصوص در بر ندارد، اما قانون‌گذار ایران در مواد ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حق برخورداری از مترجم را در مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی پیش‌بینی کرده است. این حق محدود به وضعیتی نیست که متهم به زبان مورد استفاده در دادگاه صحبت نمی‌کند، بلکه مطابق مواد ۲۰۱ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری به متهمانی که دارای اختلالات شنوایی یا گفتاری هستند نیز تسری می‌یابد؛ بنابراین، حق بر داشتن مترجم، در صورت لزوم شامل حق داشتن مترجم زبان اشارات نیز می‌شود.

استماع عادلانه با رعایت عدالت و انصاف رویه‌ای همراه با تضمین‌های لازم برای متهم پشتیبانی می‌شود. متهم حق مشارکت کامل در دادرسی دارد. در صورتی که متهم زبان دادرسی را درک نکنند، نمی‌تواند به طور مؤثر از حقوق خود دفاع کند.

بهره‌مندی از خدمات مترجم در وضعیت‌هایی که متهم به زبان مورد استفاده دادگاه جاهل است یا قادر به درک آن نیست، مانع بزرگی بر حق دفاع قلمداد می‌شود و علاوه بر این، حقی است که مستقل از نتیجه دادرسی (برائت یا محکومیت متهم) است و نسبت به بیگانگان و حتی اتباع قابل اعمال است (General Comment No.13, 1984: para.13). حق برخورداری از مترجم مبین برگزاری یک دادرسی به معنای صحیح است. اگر کمک مترجمی برای متهمی که تسلط کافی بر زبان دادگاه ندارد فراهم نشود، محاکمه عادلانه‌ای وجود ندارد. این حق شکلی بنیادین در فرایند حقیقت‌یابی بر سایر جنبه‌های حق دادرسی عادلانه تأثیر می‌گذارد؛ از این رو پرسش‌هایی مطرح می‌شود: حق بر ترجمه به عنوان یک فرایند پیچیده و حق شکلی چه تأثیراتی بر دادرسی‌های کیفری و به تبع آن بر سایر حقوق شکلی خواهد گذاشت؟ چه ارتباطی بین حق بر ترجمه و عادلانه بودن کل فرایند دادرسی کیفری وجود دارد؟ آیا فقدان ترجمه یا انکار حق متهم بر ترجمه به ریشه تضمین‌های بنیادین دادرسی کیفری عادلانه آسیب وارد می‌کند؟ نقش واقعی مترجم دادگاه در دادرسی کیفری دو زبانه چیست؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا تضمین‌های مقرر در قوانین ایران در خصوص حق برخورداری متهم از خدمات مترجم بیان می‌شود. سپس به حق بر دادرسی عادلانه در قوانین کشور نظری می‌افکنیم. در ادامه به طور خاص، نقش ترجمه در تضمین حداقلی دادرسی عادلانه در نظام عدالت کیفری ایران تشریح می‌شود و در نهایت پیامدهای ارزیابی ارتباط حق بر ترجمه با سایر حقوق شکلی بررسی می‌شود.

۱. منابع قانونی حق برخورداری از خدمات مترجم در قوانین ایران

مواد ۴۶ و ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری حق متهم برای اطلاع فوری از ماهیت جرمی که ادعا می‌شود ارتکاب یافته است را تضمین می‌کند. از تفهیم اتهام فوق، ضرورت تبیین و تشریح اتهام به زبانی که متهم به آن آشنایی دارد استنباط می‌گردد. مقررات فوق باید همراه با ماده ۲۰۰ خوانده شود که مقرر می‌دارد: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان

فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی تعیین می‌کند...^۱. بر این اساس، زمانی که شخصی به یک جرم کیفری متهم می‌شود، حق نامحدودی دارد که با زبانی که می‌فهمد درباره موضوع اتهام و دلایل آن اطلاعات کامل داشته باشد. به همین منظور ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقررات مشابهی در زمان رسیدگی در دادگاه پیش‌بینی نموده و یکی از حقوق دفاعی مظنون و متهم را داشتن مترجم دانسته است؛ بنابراین قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه را موظف می‌کند که اگر متهم زبان فارسی را نفهمد عناصر جرمی را که شخص به آن متهم شده و هر آنچه که در دادرسی گفته می‌شود به زبانی که او می‌فهمد با تفصیل تشریح نماید. عدم رعایت این شرط، ممکن است کل دادرسی شخص متهم را باطل کند. در نتیجه، حق برخورداری از مترجم در تمام مراحل دادرسی (تحقیقات نزد ضابطان، مرحله تحقیقات مقدماتی و محاکمه در دادگاه) ضروری است.

در قوانین کیفری برای افراد دارای ناتوانی شنوایی نیز پیش‌بینی مترجم هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله دادرسی به صورت صریح پیش‌بینی شده است؛ زیرا متهم ناشنوا قادر به درک مذاکرات و اظهارات نیست، هم‌چنین متهم فاقد قدرت تکلم، توان انتقال منظور و بیانات خود را به مقام قضایی ندارد. این افراد همانند کسی هستند که زبان مقام قضایی را نمی‌دانند. بر همین اساس به موجب ماده ۲۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده مشابه ماده ۲۰۰ برای این افراد پیش‌بینی شده است که بر اساس آن، «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند...»^۲. مقرر شده مشابهی در ماده ۳۶۸ برای رسیدگی در دادگاه در نظر گرفته شده است. این مقرر از ماده ۳۹۹ قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ و ماده ۲۰۴ قانون آیین

۱. ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر داشت: «در صورتی که شاکی و مدعی خصوصی یا متهم فارسی نداند، دادگاه دو نفر را برای ترجمه تعیین می‌کند...».

۲. بر اساس ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در مواردی که اشاره مفهوم نباشد یا قاضی به زبان شخصی که سوگند یاد می‌کند، آشنا نباشد و یا اداء کننده سوگند قادر به تکلم نباشد، دادگاه به وسیله مترجم یا متخصص امر، مراد وی را کشف می‌کند.

دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸^۱ الهام گرفته است. هم‌چنین در ماده ۲۷۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ پیش‌بینی شده اگر خوانده به علت لکنت زبان یا لال بودن در قبال ادعای خواهان سکوت کند قاضی دادگاه راساً یا به وسیله مترجم با متخصص امر مراد وی را کشف می‌کند؛ بنابراین چنانچه متهم یا شهود فارسی ندانند یا کر یا لال باشند به‌کارگیری مترجم و اهل خبره از سوی دادگاه الزامی است و حتی اگر مرجع قضایی بتواند معنای اظهارات آن‌ها را بفهمد، باز باید از مترجم و اهل خبره استفاده کند. هر چند اداره حقوقی قوه قضائیه به موجب نظریه‌های مشورتی شماره ۷/۶۲۸۹-۱۱/۱۴/۱۳۶۹^۲ و شماره ۷/۹۴/۱۶۷۴-۶/۲۸/۱۳۹۴^۳ خلاف آن را اظهار داشته است.

حق بر مترجم در اسناد حقوق بشری مورد تصریح واقع شده است. مطابق قسمت ششم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، متهمی که زبان دادگاه برای او قابل فهم نیست یا قادر به تکلم به آن زبان نیست، حق دارد از کمک رایگان یک مترجم برخوردار باشد. میثاق اشاره‌ای به حق مزبور در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازجویی ننموده است، اما در ماده ۱۴ (۳) (الف) در خصوص مرحله تحقیقات مقدماتی آمده است: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود باید در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که بفهمد، از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، مطلع گردد». از این بند استنباط می‌شود که حق برخورداری از مساعدت مترجم محدود به مرحله رسیدگی در دادگاه نمی‌باشد بلکه در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز اعمال می‌گردد (Dijk & Van Hoof, 1998: 478). از آنجا که ایران به میثاق پیوسته است، مقررات مندرج در آن بر اساس ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون عادی قلمداد می‌شود و برای تمامی دادرسی‌ها و دادگاه‌های کیفری

۱. مطابق ماده ۲۰۴ قانون سابق دادرسی کیفری، در صورتی که مدعی خصوصی یا متهم یا مطلعین کر یا لال باشند، دادگاه اقدام لازم را برای تحقیق از آن‌ها به وسیله اشخاص خبره معمول خواهد داشت.
۲. مطابق نظریه مشورتی فوق، اگر دادرس دادگاه بتواند پی به معنای اظهارات متهم یا شهودی که فارسی نمی‌دانند یا افراد کر یا لال ببرد نیازی به استفاده از مترجم و اهل خبره نیست.
۳. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۱۶۷۴ مقرر می‌دارد: در صورت عدم دسترسی به مترجم، بازپرس می‌تواند با استفاده از روش‌های مطمئن (مانند وسایل الکترونیکی یا افراد مورد اعتماد) یا در صورت آشنایی با زبان متهم، مستقیماً نسبت به تفهیم اتهام، تحقیق و صدور قرار تأمین اقدام کند.

لازم الاجراست.

این‌ها اجزای اساسی اجرای عدالت در نظام کیفری ایران برای متهمانی هستند که قادر به درک زبان کاری دادگاه‌ها نیستند. در این راستا، برای این‌که محاکمه عادلانه و حکم مطابق و سازگار با آیین دادرسی و تشریفات قانونی باشد که در قاعده عدالت طبیعی بیان شده است، سیاست دوگانه عدالت طبیعی بایستی حاکم باشد؛ بنابراین در حالی که ماده ۱۴ (۳) (الف) میثاق و مواد ۴۶ و ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری به حقوق پیش از تعقیب مبنی بر اطلاع از جرمی که ادعا می‌شود ارتکاب یافته است می‌پردازد، اما ۱۴ (۳) (و) میثاق و مواد ۲۰۰ و ۳۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری به حق شخص متهم برای اطلاع از جرم در زمان تعقیب به زبانی که او می‌فهمد مربوط می‌شود؛ در حالی که اولی به ارتباط کتبی می‌پردازد، دومین مقررۀ تا حدود زیادی به ارتباط شفاهی و کلامی می‌پردازد (پیری، ۱۴۰۳: ۹۶).

۲. نقش ترجمه در تضمین حداقلی دادرسی عادلانه و ارتباط آن با دیگر

حقوق شکلی

یکی از لوازم بهره‌مندی از امکاناتی نظیر آگاهی از کلیه حقوق، دسترسی به اطلاعات پرونده، آشنایی و فهم زبان مقام قضایی است که این حق باید به صورت تأکید بر حق داشتن مترجم برای تمامی طرف‌های دعوای کیفری پیش‌بینی گردد که در صورت ناتوانی در درک، این زبان برای او ترجمه و تفهیم شود (توسلی نائینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۷). کمک مترجم حقی است که تحقق یک حق گسترده‌تر یعنی حق دادرسی عادلانه را تسهیل می‌کند. اگر متهم در صحبت کردن، فهمیدن و خواندن زبان دادگاه مشکل داشته باشد، حق ترجمه برای تضمین دادرسی عادلانه مهم و حیاتی است. این امور برای تضمین حق برخورداری از امکانات کافی جهت تهیه دفاعیه، اصل تساوی ابزار و امکانات، بازجویی و بازجویی متقابل شهود، حق علیه خود متهم‌سازی و حق دفاع لازم و ضروری است. بدون هیچ مساعدتی، متهم ممکن است نتواند محاکمه را بفهمد و به طور کامل در جریان دادرسی قرار گیرد، و دفاعیه مؤثری را فراهم کند. لذا حق ترجمه و دانستن زبان دادگاه و فهمیدن یا صحبت کردن با آن پیش شرط اصلی حق دادرسی عادلانه و از حقوق دفاع متهم است. حق ترجمه به سایر تضمین‌های دادرسی منصفانه مرتبط است به طوری که

انکار یک مترجم یا ترجمه ضعیف، به خودی خود منجر به نقض عدالت نمی‌شود. دادگاه باید بیشتر بررسی کند که آیا انکار فوق، حق دادرسی منصفانه را نقض کرده است یا خیر؛ که به طور اجتناب‌ناپذیری دادگاه را وادار نماید تأثیر آن بر سایر حقوق را تحلیل نماید.

۲-۱. دسترسی برابر به دادگاه و برابری سلاح‌ها

اصل برابری در مقابل دادگاه مهم‌ترین معیار دادرسی عادلانه است. ماده ۱۴ (۱) میثاق بیان می‌دارد: «همه در مقابل دادگاه و دیوان‌های دادگستری برابر خواهند بود». کمیتة حقوق بشر این اصل کلی را به دو حق متفاوت اما مرتبط به هم یعنی حق دسترسی برابر به دادگاه‌ها و حق برابری سلاح‌ها تفسیر می‌نماید. هر یک از این حقوق خاص مستلزم این است که با متهم رفتاری برابر با طرف مقابل (مقام تعقیب) و هر فرد دیگری که موقعیت مشابهی با متهم دارد صورت گیرد (General Comment No.32, 2007, para.40).

دسترسی به عدالت، اصل اساسی حق برخورداری از محاکمه عادلانه است (McEvoy, 2023: 143). بر اساس اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همه حق دارند از سیستم دادگاه در شرایط مساوی استفاده کنند. اگرچه در نظام کیفری ایران اصل برابری سلاح‌ها^۱ به صراحت پیش‌بینی نشده، اما قانون‌گذار در مواد ۲ تا ۶ و برخی دیگر از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصادیق و جلوه‌های این اصل را بیان کرده است.

تساوی سلاح‌ها به معنای برابری قضایی اصحاب دعوا (اشرافی، ۱۳۹۸: ۲۴) در امکان استفاده از ابزار لازم جهت دفاع از خویش در طول فرایند قضایی است (خرمیان و دانشور، ۱۴۰۰: ۲۴۰). برابری سلاح‌ها به عنوان حقی درک می‌شود که بر اساس آن دادگاه نمی‌تواند به گونه‌ای عمل کند که به دادستان نسبت به متهم برتری بدهد (Weissbrodt, 2001: 130). برابری سلاح‌ها مستلزم آن است که هر دو طرف دعوا حق ارائه مدارک در شرایط مساوی دارند، هر دو از حقوق یکسانی برای بررسی مدارک دارند و هر دو می‌توانند بدون تفاوت، شهود خود را ارائه یا از شهود سؤال کنند (Nowak, 2005: 341).

1. Equality of arms

اقتضای دادرسی یا محاکمه عادلانه، تحقق عدالت در تمام مراحل رسیدگی می‌باشد. لازمه تحقق اصل تساوی سلاح‌ها مستلزم این است که متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز در صورتی که انجام تحقیقات به زبانی است که برای وی غیر قابل فهم می‌باشد از مساعدت یک مترجم برخوردار باشد (پیری، ۱۴۰۲: ۱۰۹). با پیش‌بینی چنین حقی در مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای تمامی طرف‌های دعوا در مرحله تحقیقات مقدماتی، گامی به سوی برابری طرف‌ها در بهره‌مندی از این حق برداشته شده است.

مفاهیم دسترسی برابر به دادگاه و برابری سلاح‌ها برای افرادی که به زبان دادگاه صحبت نمی‌کنند، بسیار حیاتی است. از آنجایی که زبان نمی‌تواند به عنوان مبنای معقولی برای دسترسی نابرابر به سیستم دادگاه مورد استفاده قرار گیرد و نه به عنوان توجیه منطقی برای رفتار متفاوت با متهم، می‌توان اظهار داشت که اقلیت‌های زبانی اساساً توسط اصل برابری حمایت می‌شوند. از سوی دیگر، مقررۀ مربوط به مترجم رایگان، به طور مؤثری برابری سلاح‌ها در دادرسی‌های کیفری را تضمین می‌کند (General Comment No. 32, 2007: para. 40)، اما متهمانی که زبان دادگاه را درک نمی‌کنند و مفهوم برابری در مقابل دادگاه، چیزی بیش از این نیاز دارند. به طور خاص، فردی که به زبان دادگاه صحبت نمی‌کند، حق دسترسی به دادگاه با شرایطی برابر با فردی که به زبان قضایی صحبت می‌کند دارد و هم‌چنین حق دارد از رفتار رویه‌ای برابر برخوردار باشد، در این صورت ترجمه تضمین شده باید از کیفیتی برخوردار باشد که هر گونه تمایز بین دو طرف را از بین ببرد. به عبارت دیگر، تضمین‌های دسترسی برابر و برابری سلاح‌ها این نتیجه را تأیید می‌کند که ترجمه کامل و جامع از دادرسی مورد نیاز است. در غیر این صورت، متهم فاقد صلاحیت زبانی عملاً در وضعیت برابر در محضر دادگاه قرار نمی‌گیرد. به این ترتیب، برابری در برابر دادگاه‌ها می‌تواند به عنوان تضمین‌کننده یک مترجم دیده شود و هم‌چنین نوع خاصی از ترجمه و سطح دقت ترجمه را تضمین می‌کند (HRC General Comment No. 32, 2007: 13). همان‌طور که حق برابری در برابر دادگاه با اعطای حق ترجمه جامع به متهم، بر اعمال و تکالیف مترجم تأثیر می‌گذارد، به همان اندازه روشن است که ناتوانی یک مترجم در ارائه چنین ترجمه دقیقی، خود حق را تضعیف خواهد کرد.

به این ترتیب، سطح مهارت و عملکرد واقعی یک مترجم در طول دادرسی می‌تواند بر فرصت متهم برای دسترسی به دادگاه‌ها تأثیر بگذارد و هم‌چنین بر توانایی او برای برخورداری از برابری واقعی سلاح‌ها نسبت به دادستان تأثیر منفی بگذارد.

۲-۲. حق دادرسی ترافی (اصل تناظر)

حق دادرسی ترافی^۱ به این معناست که در دادرسی کیفری، به طرفین دعوی (خصوصاً متهم) فرصت داده شود تا از مدارک و شواهد ارائه شده توسط طرف مقابل اطلاع داشته باشند و هیچ تصمیمی نباید در هیچ کدام از مراحل دادرسی اخذ شود مگر بعد از استماع اظهارات و بررسی ادله طرفین دعوی (زراعت و اشرافی، ۱۳۹۷: ۱۱).

اصل تناظر^۲ در زمره اصول بنیادین دادرسی است (قائدی، ۱۴۰۳: ۱۵۳). قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت متذکر اصل تعادل ترافی یا تناظر نشده است، اما مهم‌ترین مصادیق رعایت این اصل در مواد ۱۹۲، ۴۶۹ (ب) و ۳۵۹ (ج) قانون فوق مورد اشاره قرار گرفته است. ماده ۳۵۹ اعلام می‌دارد رسیدگی در دادگاه به صورت ترافی است. میثاق به‌رغم اشاره به اجزای بنیادین اصل تناظر از جمله حضور در محاکمه (ماده ۱۴ (۳) (د)) و سؤال از شهود (ماده ۱۴ (۳) (ه))، این اصل را به صراحت بیان نکرده است، اما کمیت حقوق بشر اظهار داشت که مفهوم دادرسی عادلانه در چارچوب ماده ۱۴ (۱) میثاق بایستی به گونه‌ای تفسیر شود که مستلزم شرایط خاصی از جمله احترام به اصل دادرسی ترافی است (HRC، 1989: 9.3).

اگر هدف از دادرسی ترافی مشارکت مؤثر متهم در دادرسی باشد، لازم است مترجمی به متهم داده شود که سطح مهارت او بتواند چنین مشارکتی را تضمین کند. از این نظر، این واقعیت که وکیل متهم می‌تواند به طور مؤثر از جانب او عمل کند، لزوماً اهداف این حق را محقق نمی‌کند. هنگامی که ترجمه ضعیفی در دادگاه ارائه شود (یا از روش محدودی از جمله ترجمه خلاصه شده استفاده شود) متهم درک کاملی از روند دادرسی نخواهد داشت و الزاماً احساس نمی‌کند که او می‌تواند بر

1. Adversarial hearing

2. Principe de Contradictoire

نتیجه کار تأثیر بگذارد. این امر هم پذیرش نتیجه را تضعیف می‌کند و هم توانایی او برای این‌که واقعاً عاملی در روند رسیدگی باشد. افزون بر این، دانش خاص متهم می‌تواند در به چالش کشیدن شواهد و مدارک مفید باشد، اما این امر مستلزم این است که متهم در واقع شواهد ارائه شده را به طور مفصل از طریق ارائه ترجمه کامل درک کند. به همین ترتیب، ارائه استدلال‌های متهم که به کیفیت تصمیم‌گیری دادگاه کمک می‌کند، احتمالاً از طریق ترجمه با کیفیت بالا به دست می‌آید. به طور خلاصه، عنصر مشارکت مؤثر که در حق دادرسی توافقی گنجانده شده است، هم سطح بالایی از کیفیت مترجم و هم روش دقیق ترجمه را حکم می‌کند. هر چیزی کمتر از این حق استماع متهم را تضعیف می‌کند.

۳-۲. حق استماع شفاهی

استماع شفاهی مهم‌ترین بخش یک جریان دادرسی است. مهم‌ترین توجیه نظری برای استماع، حق بر رفتار منصفانه است (فلاح‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۰۲). کمیته حقوق بشر، حق بر دادرسی شفاهی^۱ را یکی از مؤلفه‌های دادرسی علنی و ابزاری در جهت تحقق دادرسی منصفانه قلمداد نموده است (HRC, 2002: 7.3). این حق به صراحت در میثاق ذکر نشده است، اما در چارچوب ماده ۱۴ میثاق، متهم حق دارد دعوایش در دادگاه به صورت شفاهی مورد رسیدگی قرار گیرد. حق استماع شفاهی به محاکم اجازه می‌دهد تا اعتبار شهود و قابلیت اعتبار شواهد با دقت بیشتری ارزیابی شود. از این نظر، حق استماع شفاهی می‌تواند از حق متهم برای بازجویی از شهود ناشی شود. کمیته حقوق بشر بند ۳ ماده ۱۴ میثاق را منبع این ضمانت معرفی کرده و بیان داشته است به منظور اجرای الزامات حق دفاع، همه رسیدگی‌های کیفری بایستی به متهم حق استماع و دادرسی شفاهی را بدهد (HRC, 2006: 7.2). منشأ این حق قابل بحث است، اما در وجود آن بحثی نیست و هر متهمی حق بهره‌مندی از دادرسی شفاهی را دارد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به لزوم دادرسی شفاهی اشاره‌ای نشده است، اما مواد ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۷ و ۳۶۸ با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری استماع اظهارات کنش‌گران دادرسی کیفری توسط دادگاه، نشان از اهتمام

1. Oral Hearing

قانون‌گذار به لزوم دادرسی شفاهی دارد. حق دادرسی شفاهی عموماً به علنی بودن درونی محاکمه یا حق دسترسی داشتن به مدارک اشاره دارد (راسته و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۲۶).

حق بر داشتن مترجم در تمام مراحل رسیدگی اعمال می‌شود. این حق در رسیدگی‌های شفاهی جریان دارد (همتی، ۱۳۹۵: ۲۵۵). متهم حق دارد پرونده خود را به دادگاه بازگو نماید و دادگاه نیز باید آن را همان‌طور که قصد کرده درک کند. این موضع، حمایت‌کننده از تضمین درک یک فرد است و کمک ترجمه مؤثر برای یک متهم را توجیه می‌کند؛ از این رو حق استماع شفاهی مستلزم فرصتی برای ارائه شهود و سؤال از شهود در مورد مسائل واقعی است و با حق دفاع متهم مرتبط است و صرف وجود حق دادرسی شفاهی احتمالاً این تضمین را محقق نمی‌نماید. به این ترتیب، هر دادرسی شفاهی ضرورتاً نیازمند خدمات مترجم برای متهمانی است که از نظر زبانی فاقد صلاحیت هستند. از این متهمان نمی‌توان انتظار داشت که به طور مؤثر از حق دفاع خود در جلسه‌ای که نمی‌توانند آن را درک کنند استفاده کنند. افزون بر این، از آن‌جا که مترجم جزء لاینفک هر دادرسی شفاهی است، صلاحیت و سطح مهارت او تأثیر زیادی بر اعمال حق متهم خواهد داشت و ترجمه (شفاهی) ضعیفی که به متهم در درک شواهد و ادله شفاهی در دادرسی کمک نکند، به طور مؤثری حق فرد را برای همان استماع نفی می‌کند.

۴-۲. حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه

دفاع و تعقیب باید به شیوه‌ای صورت گیرد تا حق طرفین دعوا در برخورداری از فرصت مساوی جهت آماده شدن و ارائه شکایت در طول روند رسیدگی‌ها تضمین شود (طه و اشرافی، ۱۳۸۶: ۲۰۳). حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه یکی از جنبه‌های اساسی اصل تساوی ابزار و امکانات متهم و دادستان به شمار می‌رود (خرمیان و دانشور، ۱۴۰۰: ۲۵۰) و ضروری است در تمامی مراحل رسیدگی رعایت شود؛ در غیر این صورت نقض آن موجب سلب وصف انصاف از دادرسی می‌شود (فتحی و دادیار، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

ماده ۱۴ (۳) (ب) میثاق تضمین می‌کند که متهم وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع و ارتباط با وکیل خود داشته باشد. در نظام حقوقی ایران، مفهوم برخورداری

از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه به تصریح مورد حکم قانون‌گذار قرار نگرفته است، اما مطابق مواد ۲، ۵، ۴۸، ۱۷۱، ۱۹۲ و ۳۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری مهم‌ترین این امکانات برای متهم، دسترسی به وکیل یا مشاور حقوقی، حفظ حق متهم و وکیل وی در دسترسی به اسناد و اوراق پرونده و کسب اطلاع از محتویات آن، داشتن زمان کافی برای فراهم کردن ادله و ضرورت رعایت مواعد قانونی است که می‌تواند تدارک دفاع از سوی متهم را ممکن سازد.

هدف اساسی از زمان کافی، اجازه دادن به متهم برای آماده‌سازی دفاع و برقراری ارتباط با وکیل است؛ بنابراین زمان اختصاص داده شده به متهم هنگامی کافی خواهد بود که به او اجازه دهد دفاع خود را به درستی آماده کند. تدارک دفاعیات متهم هدف صریح این حق است. کمیته حقوق بشر اعلام داشته است که دفاع تضمین دسترسی متهم به کلیه مواردی است که مقام تعقیب قصد دارد در دادگاه علیه متهم ارائه کند یا تبرئه‌کننده هستند (General Comment No. 32, 2007: 33). این امر به متهم حق دسترسی به بخش بسیار قابل توجهی از پرونده را می‌دهد. جنبه دیگری از تسهیلات توانایی متهم برای تماس با وکیل خود است. وکیل نوعی «تسهیلات» تلقی می‌شود و بنابراین متهم برای تدارک دفاع از خود حق بهره‌مندی از آن را دارد. منطقی مشابهی برای دسترسی به مترجم دادگاه اعمال می‌شود. در مواردی که مترجم برای تهیه دفاع ضروری است (مثلاً بازجویی از شهود قبل از محاکمه)، در این صورت الزام به تسهیلات کافی، به متهم حق دسترسی به چنین مترجمی را می‌دهد. این حق برای هر متهمی، خواه به زبان دادگاه صحبت کند یا نه، تا زمانی که برای آماده‌سازی دفاع به خدمات ترجمه نیاز باشد، اعمال می‌شود.

حق داشتن مترجم بخش اصلی حق دفاع شخص و حق داشتن زمان و امکانات کافی برای تهیه دفاعیه است. متهمی که پرونده‌ای علیه وی مطرح شده را درک نمی‌کند، فرصتی برای دفاع مناسب ندارد. تحقق حق دفاعی متهم از جمله تفهیم اتهام اقتضا دارد که متهم بتواند با مقام قضایی صحبت کند و از فهم مذاکرات محروم نشود. در این زمینه، منطقی آن است که به متهمی که به زبان دادگاه صحبت نمی‌کند، اجازه داده شود تا مترجمی برای ترجمه گفت‌وگوهای محاکمه اختیار نماید.

اگر مترجمان به عنوان نوعی تسهیلات در نظر گرفته شوند، صلاحیت آن‌ها

بر کفایت تسهیلات موجود برای متهم تأثیر می‌گذارد. همان‌گونه که دسترسی ناکافی به اسناد دادستانی ممکن است آماده‌سازی دفاع را تضعیف کند، ناتوانی در رفع موانع زبانی برای دسترسی به ادله یا شهود ممکن است نتیجه مشابهی ایجاد کند. از این نظر، صلاحیت مترجم و در نتیجه ناتوانی او برای رفع مؤثر این مانع زبانی، برای آماده‌سازی دفاع و تحقق این حق ضروری خواهد بود. به همین ترتیب، اگر متهم نمی‌تواند به طور مؤثر در تهیه دفاعیه خود مشارکت کند، اما مترجم با مهارت خود این مانع را از بین ببرد و از مشارکت مفید متهم اطمینان حاصل نماید، از اهمیت مشابهی برخوردار است. با این حال، واضح است که در هر دو صورت، تجربه و توانایی مترجم نقش اساسی در تأمین امکانات کافی خواهد داشت. علاوه بر این، وجود مترجم برای متهمی که به زبان خارجی تکلم می‌کند، یا به منظور دسترسی به ادله‌ای که از نظر زبانی در دسترس وکیل نیست، احتمالاً بر میزان زمان لازم برای تهیه دفاع تأثیر می‌گذارد (Schomburg, 2009: 12). استفاده از مترجم حتی اگر فقط برای یک شاهد یا یک مدرک یا ادله باشد، یک عامل پیچیده است که نه تنها به زمان اضافی برای بررسی آن شواهد نیاز دارد، بلکه مشکلات بیشتری بر همه افراد دخیل ایجاد می‌کند. به طور خلاصه، استفاده از مترجم نیاز به زمان اضافی دارد؛ بنابراین ارزیابی این‌که آیا زمان کافی به متهم داده شده است، ناگزیر جایی که یک مترجم در این فرایند دخیل است، تغییر خواهد کرد.

۲-۵. حق اطلاع فوری و دقیق از موضوع اتهام و دلایل آن^۱

یکی از لوازم دادرسی عادلانه این است که متهم از علت و ماهیت اتهامات آگاه شود و این امر اقتضای آن را دارد که زبان دادگاه را درک کند و یا این زبان برای او ترجمه شود. حق اطلاع فوری و دقیق از دلایل اتهام از این جهت دارای اهمیت است که فرد مورد اتهام، از همان ابتدا برای دفاع آمادگی پیدا کند؛ چرا که متهم بر اساس دفاعیاتش می‌تواند تبرئه شود (احمدی و یوسفی، ۱۴۰۲: ۱۰). بند ۲ ماده ۹ و قسمت الف بند ۳ ماده ۱۴ میثاق و اصل سی و دوم قانون اساسی ایران و مواد ۵، ۴۹ و ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری همگی مشعر بر آن است که علت بازداشت و دلایل و نوع اتهام باید به متهم اطلاع داده شود. ماده ۱۴ (۳) (الف) میثاق این حق را با الزام متهم

1. The right to be informed of the charge

به این که فوراً و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می شود مطلع شود، بیان می کند. ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله انتسابی آگاه شود». در این ماده از سرعت در تفهیم اتهام سخن گفته شده بدون آن که بر تفهیم اتهام به زبانی که متهم قادر به درک آن باشد اشاره ای کند. به موجب ماده ۱۹۵، بازپرس پیش از شروع به تحقیق موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به متهم تفهیم می کند.

تفهیم اتهام یعنی اعلام رسمی و صریح عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از جانب بازپرس (اردبیلی، ۱۳۹۱: ۵۴) به زبان و شیوه ای که با توجه به وضعیت خاص متهم، برای او قابل درک باشد. اگر ما می خواهیم با متهم و بزه کار در فرایند کیفری به عنوان یک عامل و نه موضوع برخورد کنیم، لازمه این امر آن است که علت و نوع اتهام به متهم، به زبانی که قابل فهم باشد، تفهیم شود (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۱۳). آگاهی متهم از موضوع اتهام و دلایل آن در ابتدایی ترین مراحل تعقیب و تحقیق لازمه موازنه قوا میان متهم و مدعی و دفاع مناسب متهم در رد اتهامی است که به او نسبت داده می شود. با توجه به این هدف، زمان اطلاع متهم (فوراً)، محتوای اطلاعات داده شده (ماهیت و علل اتهام) و شکلی که به وسیله آن به متهم اطلاع داده می شود (به صورت مکتوب)، بسیار اساسی خواهد بود؛ بنابراین برخورداری از یک مترجم که به صورت رایگان این اطلاعات را در اختیار متهم قرار دهد، در تسریع روند تحقیقات و همین طور دادرسی بسیار کمک کننده خواهد بود.

منطق تفهیم فوری و تفصیلی نوع و علت اتهام به همراه برخورداری از کمک مترجم، مستلزم آن است که اسناد و مدارک تنظیم شده به زبان آشنا برای متهم، به هزینه دادگاه یا دادرسا ترجمه شوند. گرچه می توان گفت که چنین حقی فقط به اسناد و مدارک مؤثر در دفاع مربوط می شود و متهم نمی تواند ترجمه کلیه اوراق پرونده را درخواست نماید.

لازمه آگاهی متهم از حقوق خود این است که اطلاعات مذکور به زبانی اعلام شود که توان درک آن را داشته باشد؛ لذا چنانچه متهم خارجی باشد و یا از اقلیت هایی باشد که به زبان رسمی و ملی آشنایی ندارد، باید برای او مترجم انتخاب شود. در مواردی که متهم زبان دادگاه را درک نمی کند، الزام به اطلاع به زبانی که او می فهمد

پیوسته مستلزم دخالت مترجم شفاهی (برای خواندن اتهام) یا ترجمه به صورت کتبی (ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری) است. مطابق مقرر فوق ضابطان دادگستری باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند. این تفهیم اتهام مستدل و کتبی باید به زبان و یا روشی باشد که متهم آن را درک کند و متوجه باشد که چه نسبتی به او داده می‌شود. از آنجایی که هدف محرک این حق، دادن زمان و اطلاعات کافی به متهم برای تهیه دفاعیه است، درک او از اطلاعات ارائه شده بسیار مهم است. سطح عملکرد مترجم در این زمینه نیز کلیدی خواهد بود؛ چرا که یک ترجمه ضعیف حاوی اطلاعات نادرست یا ناقص عملاً متهم را از درک واقعی اتهام باز می‌دارد و بنابراین تلاش‌های او برای دفاع اولیه را متوقف می‌کند. از این رو یکی از اقتضائات دادرسی عادلانه آن است که متهم از محتوا و ماهیت اتهامات وارد به خود آگاه شود و از جریان مذاکرات دادگاه و ظرافت‌های لفظی این مذاکرات مطلع گردد. این امر اقتضای آن را دارد که یا متهم، زبان دادگاه را درک کند و یا مطالب برای او ترجمه شود (صابر، ۱۳۸۸: ۱۶۶). طبیعی است که برخورداری از این حق صرفاً به مرحله تحقیقات مقدماتی اختصاص ندارد بلکه مرحله رسیدگی را هم در بر می‌گیرد.

۲-۶. حق محاکمه در مدت معقول و بدون تأخیر غیرموجه

قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۳ مقرر می‌دارد مراجع قضائی باید در کوتاه‌ترین مهلت ممکن به اتهام انتسابی به اشخاص رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی‌شدن فرایند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند. ماده ۱۴ (۳) (ج) میثاق نیز مقرر می‌دارد متهم حق دارد «بدون تأخیر غیرموجه درباره او قضاوت شود». ماده ۹ (۳) میثاق همین قاعده را به صورت دادرسی در مدت معقول بیان کرده است. این حق از لحظه‌ای اعمال می‌شود که متهم بازداشت یا متوجه می‌شود که دولت اقداماتی برای تعقیب قانونی او برداشته است. کمیته حقوق بشر، این حق را در تمام مراحل دادرسی کیفری (از مرحله بدوی تا تجدیدنظر) لازم می‌شمارد (General Comment No. 32, 2007: 35). این حق با حق برخورداری از زمان کافی برای آماده‌سازی دفاع در تنش است. از یک طرف دولت را از تعجیل در دادرسی نسبت به متهمی که آماده دفاع نیست، منع می‌کند و در

همان حال از دولت می‌خواهد که محاکمه را در اسرع وقت و در مدت زمان معقول برنامه‌ریزی کند (Trechsel, 2005: 216).

همان‌گونه که در رابطه با «زمان کافی برای تهیه دفاعیه» اشاره شد، شمول مترجمان در مراحل مختلف دادرسی کیفری لزوماً مستلزم زمان اضافی است. ترجمه به زمان زیادی نیاز دارد به ویژه در وضعیت‌هایی که ترجمه متوالی در میان است. افزون بر این، ضرورت اضافه شده به زمان‌بندی مترجمان به دلیل ترکیبات زبانی مبهم می‌تواند تأخیر در رسیدگی ترجمه‌ای را افزایش دهد. این تأخیرهای اضافی می‌تواند کارایی سیستم‌های عدالت کیفری را به چالش بکشاند. به این ترتیب، دخالت مترجمان می‌تواند توانایی متهم برای محاکمه بدون تأخیر غیرموجه را پیچیده‌تر کند. علاوه بر این، تهدید ایجاد چنین تأخیر غیرمنطقی با انتظار برای دسترس بودن یک مترجم باتجربه، ممکن است منجر به استفاده از مترجم جایگزین فاقد صلاحیت شود؛ بنابراین تأثیر متقابل بین مترجمان و حق محاکمه بدون تأخیر غیرموجه می‌تواند ناخواسته بر سایر حقوق دادرسی عادلانه تأثیر بگذارد. این که آیا استفاده از مترجم بخشی از پیچیدگی یک پرونده از جمله توجیه تأخیرهای غیرموجه در نظر گرفته می‌شود، کاملاً حل نشده است؛ با این حال، این واقعیت باقی است که مترجمان به زمان دادرسی می‌افزایند و البته نمی‌توان گفت گنجاندن آن‌ها در این فرایند تأخیر غیرمنطقی را توجیه می‌کند. با توجه به این شرایط، هر گونه ارزیابی از معقول بودن تأخیر در پرونده‌ای که مستلزم مترجم است، باید تا حدی تأثیر مترجم بر آن تأخیر را در نظر گیرد.

۲-۷. حق برخورداری از مساعدت وکیل

با توجه به فنی بودن و پیچیدگی قانون، ضرورت تضمین تساوی سلاح‌ها و کمک به متهم در مواجهه با مشکلات ذاتی در فرایند کیفری استرس‌زا، وجود وکیل برای حمایت از حق متهم در دادرسی کیفری ضروری است (Trechsel, 2005: 245). حق داشتن وکیل اساساً از ماده ۱۴ (۳) (د) میثاق ناشی می‌شود که تضمین می‌کند متهم حق دارد شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند. کمیته حقوق بشر اعلام کرده است که منافع عدالت مستلزم تعیین وکیل برای متهم حتی در جایی است که او بخواهد از خودش دفاع کند (General Comment No.32,).

37: 2007). اصل سی و پنجم قانون اساسی این حق را در مرحله رسیدگی در دادگاه‌ها به رسمیت شناخته است، اما در مرحله تحقیقات مقدماتی به سکوت برگزار شده است (صابر، ۱۴۰۱: ۲۴۵). مواد ۱۹۰ و ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری به حق داشتن وکیل و حضور در مرحله تحقیقات مقدماتی اشاره نموده است. هم‌چنین در ماده ۳۴۶ و تبصره آن و ماده ۳۴۷ قانون مذکور، پیش‌بینی مناسبی در جهت به رسمیت شناختن حق اشخاص در به همراه داشتن وکیل در تمام امور کیفری و در کلیه مراحل دادرسی اتخاذ شده است.

کاربرد حق برخورداری از وکیل برای اتباع بیگانه که قادر به تکلم به زبان رسمی کشور (فارسی) نیستند نیز ضروری است؛ زیرا در چنین شرایطی امکان دور شدن از فضای دادرسی منصفانه و نادیده گرفته شدن حقوق دفاعی متهم بیشتر است. بدیهی است جایی که متهم قادر به درک زبان دادگاه نیست و با بهره‌مندی از مترجم بخواهد خودش را در دادگاه معرفی یا ارائه کند، صلاحیت و کارآمدی مترجم او نقش مهمی در کارآیی دفاع او ایفا می‌نماید. علاوه بر این، حتی در مواردی که چنین فردی وکیلی انتخاب می‌کند که او را معرفی و نمایندگی کند، توانایی او برای برقراری ارتباط با وکیل (اگر وکیل به زبان متهم صحبت نکند)، کاملاً به مترجم وابسته است. با توجه به این‌که ارتباط مؤثر با وکیل برای احقاق حق کلی بر وکیل اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد (ارتباط برای استراتژی دفاعی و هم‌چنین آماده‌سازی دفاع بوسیله وکیل ضروری است)، در نتیجه توانایی و صلاحیت مترجم پیش‌شرط ضروری برای تحقق و عملی‌سازی آن حق است. به علاوه، بررسی جزئیات حق بر وکیل به درک حق خود بر برخورداری از مترجم کمک می‌کند. آن‌ها از برخی جهات اساسی بسیار مشابه هستند و قواعدی که به حق برخورداری از وکیل مربوط می‌شود، اغلب می‌تواند با ارجاع به موضوعات مشابهی که مستلزم مترجم است، بسیار متقاعدکننده باشد. به عنوان مثال، از آن‌جایی که وکیل مدافع با توجه به حق متهم برای داشتن امکانات کافی برای دفاع، «تسهیلات» تلقی می‌شود، این حق احتمالاً مترجمان را نیز در بر می‌گیرد. به این ترتیب، مترجمان می‌توانند بر تحقق مؤثر حق برخورداری از وکیل تأثیر بگذارند و این حق می‌تواند بر قوانین مربوط به استفاده از مترجمان مؤثر داشته باشد.

۸-۲. حق احضار و پرسش از شهود له و علیه خود

حق متهم برای احضار و سؤال از شهود مظهر برابری سلاح‌ها و اصل تساوی ابزارها و امکانات است. این حق به متهم «قدرت قانونی مشابه دادستان برای وادار کردن شهود به حضور» به متهم اعطا می‌کند. ماده ۱۴ (۳) (ه) میثاق متهم را محق می‌شمارد «از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سؤال کند و شهودی که له او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آن‌ها سؤال شود». قانون‌گذار در ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت از حق شاکی در ارائه گواه سخن می‌راند، اما چنین تصریحی در خصوص متهم وجود ندارد و تنها در ماده ۲۰۴ حق معرفی شخصی که حضورش را بازپرس ضروری بداند برای همه طرف‌ها از جمله متهم و وکیل وی مقرر نموده است. قانون‌گذار در خصوص برخورداری متهم از حق پرسش و پاسخ از شهود در مرحله تحقیقات مقدماتی مقرر صریحی ندارد، اما حق احضار و پرسش از شهود در مرحله محاکمه مطابق مواد ۳۲۶، ۳۲۸ و ۳۵۹ و بند ث آن محقق می‌شود.

مواد ۲۰۶، ۲۰۷ و بند الف ماده ۲۱۴ بر تحقیق از شهود بدون حضور متهم و به صورت غیرعلنی و عدم مواجهه حضوری تأکید دارد، اما مواجهه شهود با متهم با سه شرط ضرورت، بیان دقیق تدابیر حمایتی از شهود و عدم منافات این تدابیر حمایتی با حقوق متهم بلامانع است. هر چند دسترسی متهم به اطلاعات برای ارائه دفاعی مناسب ضروری است اما قانون‌گذار در خصوص حق دسترسی به ادله مرتبط با شهادت شهود در مرحله تحقیقات بر خلاف مرحله محاکمه مطابق ماده ۳۳۰ سکوت اختیار نموده است.

ماده ۱۴ (۳) (ه) میثاق برای متهم این امکان را فراهم می‌کند که شهود خود را معرفی و از شهود مخالف سؤال کند و هم‌چنین به متهم حق دسترسی به سایر مدارک مرتبط با شهود در شرایطی مشابه دادستان فراهم می‌نماید. از این رو، حق بررسی شواهد مستلزم سه حق مجزا، حق احضار شهود، حق رویارویی با شهود و در نهایت حق دسترسی به ادله مرتبط می‌شود. متهم حق دارد شهودی را که «مرتبط با دفاع هستند» احضار کند. متهم هم‌چنین حق «سؤال پرسیدن» از شهودی را دارد که توسط مقام تعقیب یا طرف مقابل احضار شده‌اند.

حق پرسش از شهود و بررسی شواهد توسط متهم نه تنها احتمال کشف حقیقت واقعی وضعیت را بیشتر می‌کند بلکه هم‌چنین تضمین می‌کند که متهم مشارکت فعال در دادرسی دارد و نه یک موضوع منفعل. افزون بر این توانایی اعتراض به شواهد و ارائه مدارک متقابل برای حمایت از حق رسیدگی ترافعی ضروری است؛ لذا در مواردی که متهم نمی‌تواند به زبان دادگاه صحبت کند، تحقق هر یک از این اهداف احتمالاً به کمک مترجم نیاز دارد. همان‌طور که دسترسی به ادله مرتبط با شهادت شهود به دفاع اجازه می‌دهد تا خط پرسش خود را بهتر بیان کند، مشارکت فعال متهم در این فرایند تضمین می‌کند که اطلاعات فرضی آن‌ها از حادثه زمینه‌ای به کشف حقایق ارزشمند کمک می‌کند. در واقع، انگیزه‌های نهفته در حق بازجویی از شهود لزوماً مستلزم مشارکت متهم در طول دادرسی است. بدیهی است در مواردی که متهم زبان دادگاه را نمی‌فهمد، این مشارکت تنها از طریق استفاده از مترجم صلاحیت‌دار حاصل می‌شود. با این حال، صرف وجود یک مترجم برای تضمین مشارکت مؤثر متهم ناتوان زبانی در روند بازجویی از شهود مقام تعقیب کافی نیست. در عوض ترجمه ارائه شده توسط مترجم باید به استاندارد بسیار بالایی برسد. هر چیزی کمتر از یک ترجمه جامع برای برآوردن هدف اساسی یعنی دخالت متهم و نظارت فعالانه او بر شهادت شهود، کافی نخواهد بود؛ بنابراین به حق متهم برای پرسش از شهود، استفاده از تکنیک ترجمه جامع که توسط یک مترجم مجرب و ماهر انجام می‌شود را ضروری می‌شمارد. در مواردی که متهم بخواهد از طرف خود شاهدی را که به زبان دادگاه صحبت نمی‌کند احضار کند، احتمالاً همین امر صادق است.

ترجمه باید به اندازه‌ای دقیق باشد که حقیقت‌یاب بتواند شواهد را به گونه‌ای ببیند که گویی در اصل به زبان دادگاه شهادت داده‌اند؛ لذا به‌کارگیری مترجم فاقد صلاحیت یا استفاده از خلاصه شواهد، وضعیتی را ایجاد می‌کند که در آن حق متهم برای احضار شهود در سطحی برابر با دادستان که مدارک خود را با جزئیات کامل و بدون نقص ارائه کرده‌اند، محقق و عملی نخواهد شد. به این ترتیب، حق متهم برای سؤال پرسیدن و تحقیق از شهود تا حدی با توانایی مترجم دادگاه و جامعیت ترجمه مرتبط است.

۹-۲. حق حضور در دادرسی

یکی از الزامات اساسی در یک دادرسی منصفانه که با اصل برابری طرف‌های دعوا ارتباط دارد، حق حضور متهم در رسیدگی‌های کیفری است (توسلی‌نایینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۰). حضور به معنای دانش و آگاهی، لزوماً با حضور فیزیکی همراه نیست، بلکه شامل درک متهم از روند رسیدگی است که او را قادر می‌سازد تا تصمیمات آگاهانه‌ای در خصوص پرونده خود اتخاذ نماید. حق ترجمه به حق حضور وابسته است. اگر حضور در دادرسی بدون ترجمه واقعی دادرسی حاصل شود، در نتیجه طرح موضوع انکار و سلب حق ترجمه بیهوده به نظر می‌رسد.

حق حضور متهم یا وکیل او در فرایند دادرسی به عنوان عنصری مهم و انکارنشدنی در زمینه ارائه یک دفاع مناسب به صراحت در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. طبق ماده ۱۴ (۳) (د) میثاق، هر متهمی حق دارد در محاکمه حاضر شود. حتی در مواردی که وکیل اختیار می‌شود، در اکثر شرایط، متهم حق حضور دارد و این حق مسلماً برای کل محاکمه اعمال می‌شود (HRC, 1998: 18.9). البته تصمیم متهم مبنی بر عدم حضور در محاکمه، صرف‌نظر از حق تلقی می‌شود (HRC, 1983: 14.1). به این ترتیب، حق محاکمه در حضور شخص مطلق نیست. فراری بودن متهم، اخراج متهم از جلسه دادرسی به صلاح‌دید دادگاه، اعراض یا امتناع متهم از حضور به رغم ابلاغ روز و مکان دادرسی دلایلی هستند که مبنای تجویز محاکمات غیابی است (Vitkauskas & Dikov, 2017: 70).

در نظام حقوقی ایران، با نگاهی به مواد ۳۴۲ و ۳۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان اصل حضوری بودن دادرسی را شناسایی کرد. قانون‌گذار در ماده ۱۰۰ حضور شاکی در مرحله تحقیقات بازپرسی را به رسمیت شناخته، اما چنین حقی برای متهم به صراحت تضمین نشده است. قانون‌گذار هیچ صراحتی بر این که متهم بتواند در طول تحقیقات اظهارنظر داشته باشد ندارد و مطابق ماده ۲۶۲ تنها پس از پایان تحقیقات و وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، متهم یا وکیل او احضار می‌شوند و می‌توانند به عنوان آخرین دفاع، هر اظهاری را بیان دارند. از این مقرر، می‌توان به تضمین دادرسی حضوری و الزامات آن اذعان نمود.

از نظر دسترسی به عدالت، زمانی که متهم فرصتی برای مشارکت مؤثر در دادرسی ندارد، دسترسی به عدالت را نمی‌توان تضمین کرد. در نگاه اول به نظر می‌رسد که استفاده از مترجم تأثیر کمی بر حق حضور داشته باشد. با این حال، مفهوم حضور ممکن است آن قدر که به نظر می‌رسد محدود نباشد. حق حضور مستلزم سطح لازم درک و مشارکت در خود محاکمه است. مترجم مشارکت فعال متهم در محاکمه را تضمین می‌کند (Nartoska, 2016: 10). متهمی که برای درک زبان دادگاه و در نتیجه روند محاکمه به مترجم نیاز داشته باشد، بدون بهره‌مندی از کمک مترجم مطابق با ماده ۱۴(۳) (د) میثاق واقعاً در دادرسی حضور نخواهد داشت. با در نظر گرفتن این موضوع است که برخی از دادگاه‌های ملی از ضرورت حضور زبانی و هم‌چنین حضور فیزیکی در ذیل حق صحبت کرده‌اند (De Jongh, 2008: 21). صرف‌نظر از این که چنین حقی برای حضور زبانی وجود دارد یا خیر، الزامات آن با سایر جنبه‌های حق بر دادرسی عادلانه هم‌خوانی دارد. به عبارت دیگر، با اعطای یک مترجم صلاحیت‌دار به متهم که طبق ماده ۱۴(۳) (ه) لازم است و تضمین مشارکت مؤثر او در دادرسی بر مبنای برابر با مقام تعقیب طبق ماده ۱۴(۱) میثاق، مقتضیات و الزامات حضور زبانی نیز احتمالاً برآورده شود. با این حال توجه به این نکته مهم است که حق کلی بر داشتن یک مترجم مجرب و صلاحیت‌دار بیشتر توسط حق متهم برای حضور در دادگاه تقویت می‌شود، و علاوه بر این، یک مترجم فاقد صلاحیت نیز ممکن است در نقض این حق همراه با بسیاری از دیگر حقوق دادرسی عادلانه نقش داشته باشد.

۳. پیامدهای ارزیابی ارتباط حق بر ترجمه با دیگر حقوق شکلی در چارچوب

نظام کیفری ایران

دادرسی‌های کیفری داخلی یک رویداد بزرگ است که در آن متهم ممکن است با جزای نقدی، بدنامی، سابقه کیفری، محرومیت از آزادی و حتی از دست‌دادن حیات روبه‌رو شود. وقتی متهم با دادگاه زبان مشترکی نداشته باشد، لایه‌ای از دسترسی و نگرانی ایجاد می‌شود. برای کاهش این نگرانی، حق داشتن مترجم در بسیاری از معاهدات حقوق بشری، اسناد کیفری بین‌المللی و قانون آیین-دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است.

حق داشتن مترجم اساساً یک حق روبه‌ای است که از حق محاکمه عادلانه ناشی می‌شود. حق بر ترجمه که در زیر چتر حق دادرسی منصفانه قرار می‌گیرد، به‌رغم این که در موارد متعددی از نظر قضایی به عنوان یک امر فرعی یا ثانوی تلقی شده است، اما عامل حیاتی برای اعمال مؤثر برخی اصول دادرسی منصفانه مانند حق حضور، حق دفاع مؤثر، رویارویی با شهود و داشتن زمان و امکانات کافی برای تهیه دفاع هستند. با این حال محاکم تمایل ندارند که انکار حق بهره‌مندی از خدمات ترجمه را فی‌نفسه به عنوان بطلان یک حق اصلی یا ماهوی تلقی کنند بلکه به عنوان نفی دادرسی عادلانه تلقی می‌کنند (Brown-Blake, 2006: 394). عدم وجود مترجم در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی متعاقب آن برای متهمی که قادر به درک روند رسیدگی نیست از نظر حقوقی بی‌نظمی جدی در دادگاه تلقی می‌شود و می‌تواند آثار مخربی به همراه داشته باشد و عادلانه بودن دادرسی را زیر سؤال ببرد.

مترجمان تنها واسطه انتقال یا افراد نامرئی در دادگاه نیستند، بلکه مشارکت‌کنندگان فعال و مستقل در دادرسی هستند که امکان برقراری ارتباط مؤثر در دادگاه را فراهم می‌کنند و دادگاه را در روند احراز حقیقت و رویه قضایی حمایت می‌کنند. از آن‌جا که مشارکت‌کنندگان در هر مرحله از دادرسی کیفری برای غلبه بر موانع زبانی به مترجمان متکی هستند، کیفیت تصمیمات، مشاوره و احکام تا حدی به کیفیت اطلاعات ترجمه شده بستگی دارد. واضح است که بین نتیجه یک پرونده و کار مترجمان درگیر پیوند وجود دارد، اگر چه ترجمه تنها یکی از عوامل پیچیده در هر پرونده است (Gentile et al, 1996: 111).

ترجمه‌های ارائه شده در دادرسی‌ها و دادگاه همیشه قابل اعتماد نیستند؛ چرا که معمولاً از کارکنان و پرسنل خود دادرسی از قبیل مدیر دفتر برای ترجمه و تفهیم اتهام استفاده می‌شود. متهم لزوماً در موقعیتی نیست که بتواند کیفیت ترجمه را ارزیابی کند. هر چند ماده ۳ اصلاحی قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم و دفاتر رسمی شرایطی برای مترجمان رسمی مقرر نموده است^۱، اما در عمل در نظام حقوقی

۱. بر اساس مقرره فوق، برای اعطای پروانه مترجمی رسمی متقاضیان باید شرایط ذیل را داشته باشند: داشتن حداقل ۲۵ سال سن، موفقیت در آزمون و اختیار علمی و کتبی، نداشتن پیشینه مؤثر کیفری، عدم اشتغال به فساد اخلاقی عقیدتی، عدم اعتیاد به مواد مخدر، عدم محکومیت به انفصال از خدمات دولتی و مورد وثوق و اعتماد باشد.

ایران، مترجم شرایط خاصی لازم ندارد، بلکه تنها کافی است به زبان بومی متهم و زبان کاری دادگاه‌ها (فارسی) تسلط داشته باشد.

میزان خطای مترجمان آموزش دیده به اندازه‌ای بالاست که استفاده از آن‌ها را در برخی شرایط خطرناک‌تر از نبود مترجم می‌کند. مترجم به متهم و دادگاه احساس امنیت کاذب می‌دهد که ارتباطات زبانی را به طور دقیق محقق می‌نماید (ITIA, 1999). علاوه بر این، موضوع سوگیری مترجم نیز مطرح است. دادگاه بایستی به محض این‌که متوجه شود که ترجمه ناقص است، دادرسی را متوقف کند و هیچ ارزشی برای آن جنبه خاص از مدارک قائل نباشد و علیه متهم از آن استفاده ننماید. عملکرد یک مترجم می‌تواند نه تنها حقوق متهم را در خود محاکمه، بلکه هم‌چنین حق تجدیدنظرخواهی را که برای تضمین اجرای مؤثر همین حقوق است تضعیف کند. از این رو، ترجمه باید متناسب و کافی باشد. کفایت ترجمه باید با معیاری که متهم را قادر می‌سازد تا پرونده علیه خود را درک کند و با دفاع از طریق ارائه روایت خود از وقایع به دادگاه، ارزیابی شود. ترجمه غیر حرفه‌ای و اشتباه می‌تواند موقعیت متهم را در دادگاه به خطر اندازد. مواد ۲۰۰ و ۳۶۷ تصریح می‌کند که متهم حق دارد از کمک یک مترجم مورد وثوق بهره‌مند شود. این مسئولیت دادگاه است که اطمینان حاصل کند که ترجمه با استانداردها مطابقت دارد. دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه کاماسینسکی اعلام داشت که تعهد مقامات به تعیین مترجم محدود نمی‌شود، بلکه به قضاوت در مورد صلاحیت مترجم و کیفیت مناسب ترجمه او نیز تسری پیدا می‌کند (ECHR, 1989: para.74). دلیل این امر تضمین این مسأله است که حق کمک رایگان مترجم طبق قانون آیین دادرسی کیفری ایران عملی و مؤثر خواهد بود. این یک نتیجه منطقی است؛ زیرا در غیر این صورت حق کمک مترجم به سختی تضمینی خواهد بود.

۴. مستندات حق بر ترجمه در رویه قضایی ایران

به‌رغم این‌که قوانین و مقررات داخلی به حق شخص متهم بر کمک مترجم رایگان اذعان دارند، اما رویه قضایی چندانی در این خصوص دیده نمی‌شود. در حکم شماره ۵۹۵-۱۳۲۸/۴/۶ و شماره ۱/۴۹-۱۳۲۸/۷/۱۳ شعبه دوم دیوان عالی کشور مقرر شده است اگر دیوان کیفری از نظر این‌که متهم فارسی نمی‌داند برای او

مترجم گرفته باشد ولی جریان تحقیقات اولیه بازپرس و غیره بدون وجود مترجم به عمل آمده باشد چنین حکمی قانونی نخواهد بود. دیوان عالی در حکم شماره ۴۰۳۸/۹۹۲-۱۳۰۸/۸/۸ نیز اذعان داشت: هرگاه از مجموع مندرجات پرونده آشنا بودن متهم به زبان فارسی محرز نباشد و محکمه مطابق ماده ۳۹۸ قانون اصول محاکمات جزایی اقدام نکرده و مترجمی برای متهم تعیین ننماید، حکم صادره علیه متهم نقض می‌شود؛ اما هیأت عمومی دیوان عالی در حکم شماره ۱۱۸۶ مورخ ۱۳۲۹/۵/۱۷ و شماره ۳۰ مورخ ۱۳۳۰/۱/۱۵ بیان داشت عدم تعیین مترجم و دعوت مترجم در مراحل تحقیقاتی در صورتی که رسیدگی در دادگاه با حضور مترجم به عمل آمده باشد موجب نقض حکم نخواهد بود. هم‌چنین هرگاه محکمه تشخیص دهد که متهم تا حدی زبان فارسی می‌داند در این صورت عدم تعیین مترجم و ترتیب اثر دادن به اقاریر متهم نزد مستنطق و صدور حکم به ضمیمه شواهد و قرائن دیگر مخالف با اصل نخواهد بود (حکم شماره ۸۵۸/۴۴۴-۱۳۱۰/۷/۴).

شعبه دوم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۱/۲۵۸-۱۳۲۰/۱۱/۳۰ مقرر داشت: ماده ۳۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری سابق که تعهد مترجم را برای عدم تغییر در اظهارات متهم یا مطلع لازم دانسته، مربوط به رسیدگی و تحقیقاتی است که در دادگاه به عمل می‌آید و برای این‌که بازپرس نیز در هنگام تحقیقات مقدماتی چنین تکلیفی داشته باشد دلیل خاصی لازم است و چنین دلیلی موجود نیست. شعبه پنجم دیوان عالی در احکام شماره ۲۲۰۰-۱۳۱۹/۴/۳۱ و ۸۳۶-۱۳۲۷/۳/۳۰ بیان داشت: مترجم قبل از شروع به ترجمه بایستی متعهد شود که در اظهارات متهم تغییر ندهد. بنابراین، اگر چنین تعهدی از مترجم گرفته نشده باشد حکم صادره قانونی نخواهد بود. در احکام صادره بی‌شماری در دیوان عالی مقرر شده است که اگر تعهد مترجم در دادگاه به عدم تغییر مطالب و اظهارات متهم رعایت نگردد تخلف از این تعهد در رسیدگی و قانونی بودن حکم مؤثر و باعث نقض حکم خواهد بود (بروجردی عبده، ۱۳۸۱: ۲۳۳).

بر اساس حکم شماره ۵۶۰/۳۵۴-۱۳۱۰/۴/۱۴ دیوان عالی، اگر محکمه به اظهارات متهم در مرحله استنطاق استناد کند ولی متهم اظهارات مذکور را به واسطه آشنا نبودن به زبان فارسی از خود نفی نماید و ضمناً از محکمه درخواست مترجم کند

و محکمه این تقاضا را پذیرفته و مترجم برای او معین کرده باشد؛ با این حال استناد محکمه به اظهارات متهم در تحقیقات بدون ذکر دلیلی بر رد مدافعه او دایر بر عدم صدور اظهارات مذکور از خود مخالف اصل محسوب و موجب نقض حکم است. این یافته همچنین در رأی اصراری شماره ۱۴۰۲/۱۰۰-۱۴۰۱/۵/۱۰، شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور مورد تصدیق قرار گرفته است. دیوان، عدم تفهیم اتهام به زبان کُردی به متهم سقزی را موجب نقض رأی دانست (پیری، ۱۴۰۳: ۱۰۰).

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۲/۶۲۸۹ مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۱۴ معتقد است چنانچه دادرس دادگاه بتواند پی به معنای اظهارات متهم یا شهودی که فارسی نمی‌دانند یا افراد کر یا لال ببرد نیازی به استفاده از مترجم و اهل خبره نیست. اما از ظاهر مواد ۲۰۱ و ۳۶۸ ق.آ.د.ک چنین استنباط می‌شود که چنانچه متهم یا شهود فارسی ندانند یا کر یا لال باشند، به کارگیری مترجم و اهل خبره از سوی دادگاه الزامی است؛ هر چند دادرس دادگاه بتواند پی به معنای اظهارات آن‌ها ببرد.

نظریه مشورتی شماره ۱۳۹۴/۶/۲۸-۷/۹۴/۱۶۷۴ اداره حقوقی قوه قضائیه بیان می‌دارد در فرضی که متهم قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نباشد و بازپرس نیز به لحاظ عدم دسترسی به مترجم نتواند از وی تحقیق نماید با استفاده از طریق مطمئن که امکان‌پذیر باشد (ولو استفاده از وسایل ارتباطی الکترونیک و مخابراتی) بازپرس می‌باید به نحوی که امکان بیان مقصود وی (سؤالات و تفهیم اتهام) برای متهم و نیز اخذ پاسخ و دفاعیات وی فراهم باشد شخصاً یا با استفاده از اشخاص مورد وثوق نسبت به تحقیق از متهم و صدور قرار تأمین مناسب اقدام نماید و لذا صرف عدم دسترسی به مترجم مجوز ادامه بازداشت متهم و عدم تفهیم اتهام نمی‌باشد. هم‌چنین در صورتی که به هیچ طریق امکان ترجمه اظهارات متهم وجود نداشته باشد و بازپرس به زبان متهم آشنایی دارد احراز هویت متهم و تفهیم اتهام به وی و صدور قرار تأمین از متهم توسط بازپرس بلاشکال است؛ زیرا هدف از استفاده از مترجم مورد وثوق اطمینان بازپرس به صحت ترجمه است و این هدف زمانی که بازپرس زبان متهم را می‌داند به طریق اولی محقق خواهد شد.

برآمد

۱- با توجه به مطالب گفته شده، به نظر می‌رسد که ظرفیت لازم برای توجه به تنوع زبانی و حق بر مترجم در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد. در حالی که بی‌توجهی به این تنوع زبانی می‌تواند منشأ بروز نقض حقوق شکلی دادرسی منصفانه و حقوق دفاعی متهم شود، توجه بایسته به آن می‌تواند موجب استفاده بهینه از تمام ظرفیت‌های موجود در جهت تضمین فرایندها، بهبود ساختار حقوقی و تقویت حاکمیت قانون شود.

۲- از بررسی تأثیر حق بر ترجمه در تحقق اصول دادرسی عادلانه این نتیجه اجتناب‌ناپذیر می‌باشد که حق بر ترجمه با تمامی اصول دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی متهم ارتباط تنگاتنگی دارد؛ زیرا در سایه برخورداری از این حق است که شرایط برای تضمین دیگر حقوق شکلی فراهم می‌شود. این اصول ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و مکمل یکدیگرند. بنابراین، هنگامی می‌توان در فرایند دادرسی‌های کیفری از یک دادرسی عادلانه سخن به میان آورد که در رعایت و تضمین حق بر ترجمه در جریان رسیدگی شبهه‌ای وجود نداشته باشد. ناتوانی در درک زبان دادگاه و به تبع آن عدم پاسخگویی به مسائلی که توسط مقام تعقیب علیه وی مطرح شده می‌تواند شانس متهم در دادرسی کیفری را کاهش دهد؛ زیرا متهم به دلیل ناتوانی از درک اتهام‌های وارده و عدم توانایی در دفاع از خود، نمی‌تواند از تضمین‌های دادرسی منصفانه بهره‌مند شود.

۳- عناصر مختلف حق دادرسی عادلانه در نظام کیفری ایران جنبه‌های دارد که می‌تواند تحت تأثیر عملکرد مترجم قرار گیرد یا خود بر عملکرد مترجم تأثیر گذارد. در این نوشتار مهم‌ترین جنبه‌های حق دادرسی عادلانه که در نظام قضایی ایران شناسایی شده است بررسی شد؛ تضمین‌هایی مانند حق داشتن زمان و تسهیلات کافی برای آماده‌سازی دفاع، حق دادرسی توافقی و حق بازجویی شهود ابزاری برای اثربخشی به حمایت‌های دادرسی عادلانه هستند. بسیاری از حقوقی که تشریح گردید، تأکید زیادی بر درک متهم و مشارکت مؤثر در محاکمه جاری دارند.

۴- مترجم تنها امید متهم ناتوان زبانی برای درک یا مشارکت در دادرسی است و تحقق این حقوق کاملاً به عملکرد مترجم بستگی دارد. خطای مترجم می‌تواند حق

متهم بر داشتن مترجم و بسیاری از دیگر حقوق محاکمه عادلانه فردی و هم چنین عادلانه بودن کل دادرسی را تضعیف کند. توانایی مترجم برای قادرساختن متهم برای حضور و شرکت در محاکمه، آن را برای اجرای عدالت حیاتی می‌کند؛ از این رو نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد؛ مگر با عمل اختیاری و داوطلبانه متهم؛ با این حال، به نام عدالت، دادگاه ممکن است بر ترجمه پافشاری کند حتی زمانی که متهم از حق خود صرف‌نظر نماید.

۵- اصل تساوی سلاح‌ها حکم می‌کند که متهم در موقعیتی برابر با مقام تعقیب و هم‌چنین سایر متهمان مشابه قرار گیرد. از آنجا که هم نهاد تعقیب و هم متهمان دارای صلاحیت زبانی قادر به درک و برقراری ارتباط آزادانه با دادگاه هستند، ترجمه باید تا آنجا که ممکن است، متهم را در یک موقعیت مشابه قرار دهد. برای تحقق و اجرای مؤثر دادرسی عادلانه، ترجمه جامعی از دادرسی و شواهد لازم است. حق برخورداری از امکانات و تسهیلات کافی و الزام به اطلاع متهم از اتهامات به طور مفصل برای تدارک دفاع، ضرورت ترجمه جامع را به مراحل مقدماتی نیز گسترش می‌دهد؛ زیرا مشارکت مؤثر متهم در تدارک دفاع از خود مستلزم سطح مشخصی از درک است؛ بنابراین ترجمه جامع و استاندارد از نظر قانونی برای تحقق و اجرای مؤثر حق کلی دادرسی عادلانه ضروری است. با پذیرش استاندارد بالا، انتظارات حقوقی از مترجمان دادگاه افزایش می‌یابد و خطای مترجم نیز افزایش می‌یابد.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * احمدی، امیر و یوسفی، یاسر (۱۴۰۲)، «تحلیل فقهی و حقوقی اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۳.
- * اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵)، «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲.
- * اشرافی، ارسلان (۱۳۹۸)، «اصل تساوی سلاح‌ها در حقوق ایران با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، پژوهش‌نامه حقوق فارس، شماره ۲.
- * پیری، حیدر (۱۴۰۲)، «تأثیر تنوع زبانی و حق بر ترجمه در تحقق دادرسی عادلانه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲۵.
- * پیری، حیدر (۱۴۰۳)، «حق بر ترجمه در حقوق کیفری ایران: واکاوی چالش‌ها از تقنین تا اجرا»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲۷.
- * توسلی‌نائینی، منوچهر و دیگران (۱۳۹۵)، «اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۴.
- * خرمیان، علی و دانشورثانی، رضا (۱۴۰۰)، «تساوی سلاح‌ها از منظر فقه و قوانین جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۵.
- * راسته، مرتضی و دیگران (۱۴۰۱)، «هم‌سنجی مؤلفه‌های دادرسی علنی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام دادرسی کیفری ایران»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۲۰.
- * رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران: میزان.
- * زراعت، عباس و اشرافی، محمود (۱۳۹۷)، «اصل توافعی بودن محاکمات کیفری در حقوق ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۱.
- * صابر، محمود (۱۳۸۸)، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۴.
- * صابر، محمود (۱۴۰۱)، آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، تهران: دادگستر.

- * طه، فریده و اشرفی، لیلا (۱۳۸۶)، **دادرسی عادلانه**، تهران: میزان.
- * فتحی، محمدجواد و دادیار، هادی (۱۳۹۲)، «**جایگاه دادستان در سیاست جنایی نوین و الزامات دادرسی عادلانه**»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۴، شماره ۷.
- * فضائلی، مصطفی (۱۳۹۲)، **دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی**، تهران: شهر دانش.
- * فلاح‌زاده، علی محمد (۱۳۹۲)، «**تحولات حق استماع در حقوق اداری انگلستان و ایران**»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴۱.
- * قائدی، سعید (۱۴۰۳)، «**مبانی و اصول حاکم بر بازتعقیب متهم**»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۸، شماره ۱۲۷.
- * همتی، مجتبی (۱۳۹۵)، «**تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر**»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۵.
- ب. انگلیسی

Books & Articles

- * Brown-Blake, Celia (2006), “**Fair Trial, Language and the Right to Interpretation**”, International Journal on Minority and Group Rights, Vol.13.
- * De Jongh, Elena (2008), “**Court Interpreting: Linguistic Presence v. Linguistic Absence**”, Florida Bar Journal, Vol.82.
- * Dijk, P.Van; G.J.H. Van Hoof (1998), **Theory and Practice of The European Convention on Human Rights**, London, SIM.
- * Gentile, A; Ozolins, U; Vasilakakos, M. (1996), **Liaison Interpreting: A Hand Book**, Melbourne University Press, Melbourne.
- * LaVigne, M., & Vernon, M. (2003), “**An Interpreter Isn’t Enough: Deafness, Language, and Due Process**”, Wisconsin Law Review.
- * McEvoy, Gearóidín (2023), “**Language Proficiency and the Right**

to an Interpreter when Accessing a Fair Trial”, The International Journal for Translation & Interpreting Research, Vol.15, No.2.

* Nartowska, Karolina (2016), **“The Role of the Court Interpreter: A Powerless or Powerful Participant in Criminal Proceedings?”**, in: The Interpreters’ Newsletter, No.20, Trieste, EUT Edizioni Università di Trieste.

* Nowak, M. (2005), **U.N. Covenant on Civil and Political Rights: CCPR Commentary**, Kehl: Engel.

* Schomburg, W. (2009), **“The Role of International Criminal Tribunals in Promoting Respect for Fair Trial Rights”**, Northwestern Journal of International Human Rights, Vol.8.

* Trechsel, S. (2005), **Human Rights in Criminal Proceedings**, Oxford University Press.

* Vitkauskas Dovydas; Dikov, Grigory (2017), **Protecting the Right to a Fair Trial under the European Convention on Human Rights**, Strasbourg: Conseil of Europe.

* Weissbrodt, D. (2001), **The Right to a Fair Trial Under the Universal Declaration of Human Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights**, The Hague: Nijhoff.

Cases & Documents

* HRC, Daniel Monguya Mbenge v. Zaire, Communication No.16/1977 (25 March 1983) U.N. Doc. CCPR/C/18/D/16/1977.

* HRC, Denroy Gordon v. Jamaica, Communication No.237/1987 (5 November 1992) U.N. Doc. CCPR/C/46/D/237/1987

* ECHR, Kamasinski v Austria, Judgment, No.9783/82, (19 December 1989).

* General Comment No.13 (Article 14, Administration of Justice),

HRC, 13 April 1984.

* General Comment No.32 on Article 14, HRC, UN Doc CCPR/C/GC/32, 2007.

* HRC, Gerald John Griffin v. Spain, Communication No. 493/1992 (4 April 1995) U.N. Doc. CCPR/C/53/D/493/1992.

* HRC, Becerra Barney v. Colombia, 2006.

* HRC, Orejuela v. Colombia, 2002.

* HRC, Yves Morael v. France, Communication No.207/1986 (28 July 1989) U.N. Doc. CCPR/C/36/D/207/1986.

* Irish 'Translators and Interpreters' Association (ITIA), Assuring Cultural Competence in Health Care: Recommendations for National Standards and an Outcomes-Focused Research Agenda (US Office of Minority Health 1999).

* HRC, Victor P. Domukovsky and others v. Georgia, 1998, Communications Nos. 623/1995, 624/1995, 626/1995, 627/1995 (6 April 1998) U.N. Docs. CCPR/ C/62/D/623/1995, CCPR/C/62/D/624/1995, CCPR/C/62/D/626/1995, CCPR/C/62/D/627/1995.